

حق بر باروری؟

محمد راسخ^۱، امیرحسین خدادپرست^۲

مقاله ی پژوهشی

چکیده

باروری از جمله توانایی های نخستین آدمیان است. این توانایی غالباً به صورت طبیعی محقق می شود، اما در پاره ای موارد روش ها و فناوری های جدید علمی امکان تحقق خواست تولیدمثل را در اختیار زوجین نابارور قرار می دهند. در سال های اخیر، از عبارت «حق بر باروری» برای اشاره به خواست زوجین برای محقق ساختن توانایی باروری سخن به میان آمده و گاه بر تکلیف حکومت در برآوردن این حق تأکید می شود. به نظر می رسد ابهام نهفته در «حق بر باروری» می تواند مشکلاتی جدی را در فهم ما از این موضوع و، به تبع، شیوه ی مواجهه با آن در جامعه پدید آورد. در این مقاله، ضمن ایضاح مفهوم «حق»، این دعوی درانداخته می شود که «حق بر باروری» را می توان در هر دو قالب «حق ادعا» و «حق آزادی» دریافت اما فقط فهم آن در قالب «حق آزادی» موجه و مقبول است. از این رو، «حق بر باروری»، در واقع، حق بر آزادی درخواست فرزندآوری و جست و جو برای فراهم آوردن مقتضیات آن، از جمله استفاده از روش های درمان ناباروری، است. این حق، هم چون دیگر حق های آدمی، در توازن و تناسب با مصلحت عمومی قرار دارد، به گونه ای که می تواند در شرایطی خاص، مثلاً در شرایط جمعیتی نامناسب، مورد حمایت و تشویق یا ممانعت و تضییق حکومت قرار گیرد.

واژگان کلیدی: باروری، حق، آزادی، مصلحت عمومی، حکومت

^۱ استاد، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی و مرکز تحقیقات بیوتکنولوژی تولیدمثل، پژوهشکده ی فن آوری های نوین علوم پزشکی جهاد دانشگاهی - ابن سینا، تهران

^۲ مرکز تحقیقات بیوتکنولوژی تولیدمثل، پژوهشکده ی فن آوری های نوین علوم پزشکی جهاد دانشگاهی - ابن سینا، تهران

* نشانی: تهران، مرکز تحقیقات بیوتکنولوژی تولید مثل، پژوهشکده فناوری های نوین علوم پزشکی جهاد دانشگاهی ابن سینا، صندوق پستی:

۱۱۷۷-۱۹۶۱۵، کدپستی: ۱۹۳۶۷۷۳۴۹۳، تلفن: ۲۲۴۳۲۰۲۰، Email: m-rasekh@sbu.ac.ir

مقدمه

وضعیت جمعیتی ایران در سال‌های اخیر دغدغه‌هایی را در مورد باروری و تولیدمثل برانگیخته است. آمار، از آن حکایت دارند که کاهش نرخ تولیدمثل در دو دهه‌ی اخیر به سطحی رسیده است که مسئولان مربوط را در قبال آینده‌ی جمعیتی ایران و آسیب‌های جدی ناشی از پیری جمعیت بسیار نگران کرده است (۱). این اظهار نگرانی‌های وسیع البته منتقدانی نیز دارد. آنان با تفکیک «کاهش جمعیت» و «کاهش رشد جمعیت»، بر آن‌اند که آنچه در ایران رخ داده کاهش جمعیت نیست بلکه کاهش رشد جمعیت است و اگر زیرساخت‌های مناسب تدارک و سیاست‌های جمعیتی به گونه‌ای تدوین شود که رشد جمعیت بین ۰/۵ تا ۱ درصد باشد، بسیاری از نگرانی‌های فعلی رفع می‌شود و نیازی به صرف هزینه‌های گزاف برای افزایش جمعیت نیز نخواهد بود (۲). با این حال، برای آنچه در دو دهه‌ی گذشته رخ داده و می‌تواند از علل کاهش نرخ تولیدمثل در کشور باشد، علل مختلفی، از سیاست‌های نادرست جمعیتی گرفته تا تغییر سبک زندگی، ذکر شده است (۳) که البته در جای خود موضوعی مهم و در خور توجه است. شناخت دقیق این علل و تفکیک علل مربوط و نامربوط نیز می‌تواند از حجم مشکلات آتی بکاهد.

از دیگر سو، بر اساس ارقام ارائه‌شده، آمار ناباروری در ایران حدود ۵ درصد بیش از متوسط جهانی و نزدیک به ۲۰ درصد است (۴). برخی صاحب‌نظران و مسئولان بر آن‌اند که افزایش سن ازدواج و، به تبع آن، تأخیر در داشتن فرزند از علل اصلی رشد پدیده‌ی ناباروری در ایران است. با توجه به مشکلات و محدودیت‌هایی که با افزایش سن در باروری و تولیدمثل به وجود می‌آید، این پدیده را نیز می‌توان به نوبه‌ی خود، از علل کاهش زاد و ولد در ایران شمرد. گرچه در سال‌های اخیر، نیاز طبیعی به درمان ناباروری، زوجین نابارور را به سوی استفاده از درمان‌ها و روش‌های کمک‌باروری سوق داده

و در پاسخ به این نیاز، مراکز درمانی متعدد و پیشرفته‌ای نیز شکل گرفته است، به‌نظر برخی متخصصان و صاحب‌نظران رسیده است که توجه بیشتر به درمان ناباروری می‌تواند در اصلاح وضعیت جمعیتی کشور نیز مؤثر باشد. بنا به پیشنهاد آنان، نامحتمل است بتوان زوجینی را که به میل خود نمی‌خواهند صاحب فرزند شوند، با موفقیت به تولیدمثل ترغیب کرد. در نتیجه، بهتر است تلاش‌ها به ایجاد زمینه‌ای برای باروری زوجین نابارور معطوف شود که جداً متقاضی باروری و داشتن فرزند هستند (۵).

باری، همه‌ی این مشکلات و پیشنهادهای موجب طرح بیش از پیش مسأله‌ی باروری و ناباروری در کشور شده است. موضوع این مقاله آن نیست که این مشکلات چگونه پدید آمده‌اند و کدام پیشنهاد می‌تواند در حل آن‌ها کارساز باشد. دغدغه‌ی نویسندگان آن است که پدیده‌ی باروری را در نسبت با حقوق والدین آتی و وظایف اجتماعی چگونه باید فهمید. با توجه به آن‌که گاه در متون تخصصی و رسانه‌های عمومی از «حق بر باروری» سخن گفته می‌شود (۶) و پذیرفتن این معنا متضمن دلالت‌هایی مهم برای اجتماع و دولت است، پرسش این است که آیا می‌توان حق باروری را به‌صورتی موجه در زمره‌ی حقوق آدمی دانست؟ و اگر پاسخ به این پرسش مثبت است، ابراز و طرح این حق چه دلالت‌هایی برای مخاطبان آن دارد؟ به این منظور، نخست مقصود از باروری روشن می‌شود و سپس بر این استدلال می‌شود که باروری، گرچه می‌تواند در شمار حق‌های آدمی به شمار آید، از سنخ حق‌آزادی/حق به معنای ضعیف است نه حق‌ادعا/حق به معنای قوی و بنابراین، افراد آزاداند که به صور طبیعی یا غیرطبیعی باروری خود را محقق کنند اما دولت مکلف به برآوردن این حق نیست. روش بررسی موضوع مبتنی بر تحلیل مفهومی «باروری» و «حق» و ارزیابی تحلیلی-هنجاری حق بر باروری است.

باروری

برای فهم «حق بر باروری»، نخست لازم است به ایضاح مدعا پردازیم. گرچه ممکن است فهم عرفی از مفهوم «باروری» به اندازه‌ی کافی روشن بکند، مراجعه به متخصصان تولیدمثل و ادبیات مربوط در منابع علمی نشان می‌دهد که تدقیق این مفهوم چندان ساده نیست و برای آن معانی گوناگونی آورده شده است که تا حدی ناهم‌پوشان هستند. این ناهم‌پوشانی می‌تواند در عمل نیز به روش‌های درمانی مختلف در زمان‌های مختلف بیانجامد. در اینجا، به اقتضای موضوع، آن تعریف از باروری و ناباروری را مبنای بحث قرار می‌دهیم که عمومی‌تر بیشتر یافته است. بنا بر این تعریف، ناباروری به معنای ناتوانی در حاملگی پس از یک سال نزدیکی فعال زوجین بدون استفاده از وسایل پیشگیری از حاملگی است (۷). اما امروزه درمان و رفع ناباروری به روش‌های گوناگون، مانند تلقیح اسپرم به داخل رحم^۱، لقاح خارج رحمی^۲، تلقیح نطفه به داخل لوله‌ی رحم^۳، انتقال نطفه‌ی بارور شده به داخل لوله‌ی رحم^۴، تزریق اسپرم به داخل تخمک^۵ و استفاده از کمک شخص ثالث میسر شده است (۸). برخی از روش‌های کمک‌باروری مستلزم هزینه‌هایی بسیار است، اما احتمال موفقیت آن‌ها و رهایی از مشکل ناباروری زوج‌های نابارور را به سوی استفاده از آن‌ها می‌کشاند.

بر این اساس، به‌طور کلی، می‌توان باروری را بر دو قسم دانست. نخست، «باروری طبیعی» که منظور از آن همان باروری مطابق تعریف پیش‌گفته است. دوم، «باروری غیرطبیعی» که از پس بروز ناباروری و با تلاش موفقیت‌آمیز متخصصان رخ می‌دهد. گفتمانی است اقسام روش‌های کمک‌باروری مفهوم «عقیمی» را دستخوش تغییر جدی کرده است. پیش از ابداع

روش‌های درمانی، ممکن بود که به صرف ناباروری فرد، چه مرد و چه زن، او را «عقیم» بنامند. اما، امروزه، مصرف داروها می‌تواند قاعده‌ی طبیعت را برهم زند و زوج نابارور را صاحب فرزند کند. حتی اگر مصرف دارو و روش‌های یادشده در بالا چاره‌ساز نباشند، امکان‌های دیگر در کار است که می‌توان به یاری آن‌ها زوج عقیم را صاحب فرزند کرد. در این روش‌ها ممکن است از حضور و کمک شخص ثالث استفاده شود که، به‌طور کلی، شامل «اهدای سلول جنسی»^۶، «اهدای جنین»^۷ و «رحم جایگزین»^۸ می‌شوند (۹). روش‌های یادشده را البته با تسامح و تکلف می‌توان «درمانی» خواند، چرا که حتی پس از به کارگیری آن‌ها، فرد «عقیم» هم‌چنان عقیم باقی می‌ماند. در واقع، آنچه این روش‌ها انجام می‌دهند به دست دادن فرآورده‌ای است که قاعدتاً باید از طریق فرایندی طبیعی به دست می‌آمد، اما گونه‌ای معلولیت مانع آن شده است. از این رو، حتی پس از این‌که زوج به کمک شخص ثالث صاحب فرآورده، یعنی فرزند، شدند، معلولیت هم‌چنان باقی است و در صورتی که زوج فرزند دیگری بخواهند، مجدداً باید از روش پیشین استفاده کنند. در نتیجه، به‌نظر می‌رسد روش‌های اهدایی در مواجهه با پدیده‌ی ناباروری درمان بیماری نباشند، بلکه حداکثر می‌توان آن‌ها را درمان معلولیت به شمار آورد.

ادعا یا آزادی؟

نویسندگان این مقاله، پیشتر در بحث از حق کودک حاصل از باروری به کمک شخص ثالث بر شناخت ریشه‌ی ژنتیک یا به تعبیر رایج والدین بیولوژیک خود تلاش کرده‌اند با توجه به تحلیل Wesley Newcomb Hohfeld (1879-1918) حقوقدان و فیلسوف حقوق آمریکایی از مفهوم «حق»^۹، استدلال کنند که سخن گفتن از حق این فرزند بر والدین بیولوژیک خود

^۶ Gamete donation

^۷ Embryo donation

^۸ Surrogacy

^۹ Right

^۱ IUI

^۲ IVF

^۳ GIFT

^۴ ZIFT

^۵ ICSI

گرفتار ابهامی است که جز از طریق تحلیل مفهوم حق نمی توان از آن رها شد و این ابهام در به کارگیری مفهوم حق سبب دشواری های نظری و عملی می شود (۱۰). در بحث از «حق بر باروری» نیز باید به همین نکته توجه داشت. از این رو، بار دیگر، به اختصار، دو معنای ممکن از مفهوم «حق» را در این بحث از یکدیگر تفکیک می کنیم و آنگاه به ارزیابی اطلاق آن ها بر باروری انسانی می پردازیم.

به طور کلی، «حق» مفهومی است که برای دلالت بر گونه ای مزیت قانونی به کار می رود. این مزیت می تواند از سنخ ادعا، امتیاز، قدرت یا مصونیت باشد (۱۲، ۱۱). در حق بر باروری، گاه می توان از حق به معنای ادعایی تعهدآور و گاه به معنای آزادی استفاده کرد. حق به معنای ادعای تعهدآور را «حق ادعا» می نامند. حق ادعا بدان معناست که «(الف) دارای «ادعایی» قانونی علیه (ب) نسبت به عملی معین است اگر و فقط اگر (ب) دارای تکلیفی قانونی در مقابل (الف) برای انجام آن عمل باشد». برای نمونه، طلبکار صاحب حق ادعا علیه بدهکار است، زیرا، در مقابل ادعای او، بدهکار مکلف به تکلیفی قانونی بر پرداخت بدهی خود به او است. همچنین، حق به معنای آزادی عمل را «حق آزادی» می خوانند. حق آزادی بدان معناست که «(الف) دارای «امتیازی» قانونی در برابر (ب) است تا عمل خاصی را انجام دهد اگر و فقط اگر بر (الف) تکلیفی قانونی در خودداری از انجام آن عمل نباشد». برای نمونه، مالک یک قطعه زمین صاحب این امتیاز قانونی است که آزادانه وارد زمین خود شود و در آن فعالیت کند. او هیچ گونه تکلیفی مبنی بر خودداری از فعالیت آزادانه در زمین خود ندارد (۱۳).

از تعاریف پیشین آشکار است که حق ادعا همواره ملازم با تکلیف طرف مخاطب آن است. صاحب حق همواره صاحب ادعا یا مطالبه ای است که طرف مقابل نسبت به ادای آن حق یا مطالبه مکلف است. اما حق آزادی معنا و اقتضایی دیگر دارد. حق آزادی نوعی امتیاز است که به رغم اهمیت بسیار، در

درجه ی نخست، تکلیفی را برای مخاطب خود به همراه ندارد. در «حق آزادی»، مطالبه و تکلیف، هر دو در یک شخص جمع می شوند و، از این رو، متعهد شدن دیگری در قبال حق این شخص بی معنا است. دقیقاً به همین دلیل است که حق آزادی را گونه ای امتیاز خوانده اند. به بیانی دیگر، حق ادعا معنایی قوی از حق را نشان می دهد، چرا که، بر آن اساس، فرد واجد حق می تواند ادعایی دراندازد که دیگری را مکلف به برآوردن آن حق سازد. حق ادعا را حق به معنای قوی می نامیم. اما حق آزادی بیانگر معنایی ضعیف و تعدیل شده از آن است و، به همین دلیل، می توان آن را حق به معنای ضعیف نیز نامید، چرا که صاحب حق با طرح آن مخاطب را مکلف نمی کند، بلکه آزادی خود در انجام یا ترک فعل را بیان می کند.

کدام یک از این دو گونه حق، حق به معنای قوی و حق به معنای ضعیف، را می توان به شکلی موجه در مورد باروری به کار برد؟ به نظر می رسد دست کم به دو دلیل می توان گفت اطلاق حق ادعا بر باروری و تلقی قوی و حداکثری از حق بر باروری نادرست است.

دلیل نخست به تحمیل ناموجه تکلیف بر حکومت باز می شود. چنانکه از تعریف ارائه شده از باروری برمی آید، باروری بالفعل کردن یکی از توانایی های انسان، یعنی توانایی فرزنددار شدن، است. برخی از توانایی های انسانی پیامدهایی مهم برای جامعه دارند و عدم تحقق آن ها آسیب هایی قطعی بر دیگر افراد جامعه وارد می کنند. همچنین، پاره ای از مشکلات فردی، اگر در سطح جامعه گسترش یابند، می توانند مصلحت عمومی را به مخاطره افکنند. از این رو، دولت با توسل به مصلحت عمومی قوانینی را، مثلاً، برای آموزش و پرورش حداقلی شهروندان در مدارس یا پیشگیری از بروز بیماری های مسری خطرناک از طریق واکسیناسیون عمومی وضع می کند و خود را موظف به اجرای آن ها می داند. آیا می توان باروری را یکی از توانایی های انسانی دانست که عدم تحقق آن در فرد فرد افراد جامعه مصلحت و منفعت عمومی جامعه

نیازها محدود است. تعیین سیاست‌های خاص و اولویت‌بندی نیازها برای تأمین شرایط مناسب زندگی اجتماعی از آنجا معنا می‌یابد که نمی‌توان از منابع محدود برای رفع همه‌ی نیازها استفاده کرد. نتیجه‌ی عدم اولویت‌بندی و سیاست‌گذاری آن خواهد بود که مسائل مهم، اصلی و خطر مغفول می‌مانند و مسائل غیرمهم یا فرعی مورد توجه ویژه قرار می‌گیرند. الزام حکومت در قبال حق افراد بر باروری می‌تواند بخشی قابل توجه از منابع و امکانات محدود را به خود اختصاص دهد (۱۵). کافی است برنامه‌ی مفروض دولت در ادای تکلیف در قبال حق بر باروری افراد و درمان ناباروری را با برنامه‌هایی برای تأمین بهداشت اولیه، مبارزه با بیماری‌های مسری خطرناک، تأمین دارو برای بیماران خاص و فراهم آوردن امکانات لازم برای پژوهش درباره‌ی بیماری‌های صعب‌العلاج مقایسه کنیم. بی‌تردید، تأمین هزینه‌های برنامه‌ی نخست موجب کاهش منابع حکومت برای پیشبرد دیگر برنامه‌های بهداشتی و درمانی است. به‌نظر می‌رسد پیشبرد برنامه‌های اخیر بر ادای تکلیف در قبال حق بر باروری اولویت داشته باشد. از این رو، در شرایط عادی، نه تنها دلیلی وجود ندارد که حق بر باروری را به معنای حق قوی در نظر آوریم، بلکه در مقام مقایسه می‌توان دریافت که ممکن است قوی گرفتن حق بر باروری به قیمت از دست دادن منابع و امکانات لازم برای مواجهه با مشکلاتی مهم‌تر و، در نتیجه، امری ناموجه (از منظر نظریه‌ی عدالت و نیز در دستگاه اخلاقی) باشد.

دو دلیل بالا نشان می‌دهد که معنای موجه حق بر باروری معنای ضعیف آن، یعنی «حق آزادی»، است. این حق بدان معنا است که افراد متقاضی باروری می‌توانند آزادانه به روش‌های طبیعی یا غیرطبیعی صاحب فرزند بشوند و جلوگیری از این کار، در شرایط عادی و متعارف، نقض حقوق آن‌ها به شمار می‌آید. بر این اساس، کسانی نیز که قصد باروری دارند، اما به هر علت توان آن را ندارند، می‌توانند آزادانه در پی راهی برای تحقق مقصود خود باشند. آنان می‌توانند با مراجعه به

را به خطر می‌افکنند؟ می‌دانیم که محافظت از حق آزادی متقاضیان باروری به آنان کمک می‌کند خواست فردی خود را تحقق بخشند. اما، آیا برآورده نشدن این خواست منافع و، دقیق‌تر، کیان جامعه را به خطر می‌اندازد؟ از آنجا که فرزندآوری و باروری در میان اغلب افراد به شکل طبیعی صورت تحقق می‌یابد و توالد نسل در زندگی جمعی آدمیان به آسانی و روانی محقق می‌شود، به‌نظر می‌رسد خودداری حکومت از کمک ایجابی و تعهدآور به تحقق حق بر باروری آن دسته از افراد که به شکل طبیعی باردار نمی‌شوند خطری برای حیات جمعی به بار نمی‌آورد. باری، حکومت باید آزادی افراد در بالفعل کردن خواست خود به باروری را محترم بشمرد و کسانی را که در این راه مانع ایجاد می‌کنند بر جای خود بنشاند.

بنابراین، در شرایط معمول جمعیتی، نیازی به مداخله‌ی حکومت برای تبدیل مقوله‌ی حق بر باروری از حق آزادی به حق ادعا وجود ندارد. فقط شرایط خاص، مثلاً انقراض نسل اقوام یا تغییر بنیادین هرم جمعیتی است که ممکن است بتواند سیاست‌های جمعیتی را تغییر دهد و باز هم به اقتضای مصلحت و منفعت عمومی خود را موظف به تأمین امکانات لازم برای باروری کسانی بداند که خواهان فرزند هستند اما به علل مختلف نمی‌توانند خواست خود را محقق کنند. حتی برخی فیلسوفان اخلاق استدلال کرده‌اند که در این شرایط، پیش از هر کس، خود فرد است که باید وظیفه‌ی اخلاقی فرزندداشتن را در خود احساس کند (۱۴). اما آشکار است که این شرایط صرفاً استثنایی است بر قاعده‌ی اصلی حق بر باروری به مثابه حق آزادی و در شرایط عادی باروری انسانی از توانایی‌هایی نیست که حکومت تکلیف و وظیفه‌ای در برآوردن آن داشته باشد.

دوم، محدودیت منابع است. هزینه‌ها و نیازهای یک جامعه بی‌شمارند، اما منابع عمومی برای پاسخگویی به این

مراکز درمان ناباروری در مقام تشخیص مشکل و رفع آن برآیند و حتی در صورت لزوم، از روش‌های کمک‌باروری با استفاده از شخص ثالث بهره‌گیرند. در خصوص تأمین هزینه‌های چنین درمان‌هایی نیز باید در پی معرفی، ایجاد و گسترش فرهنگ خیریه و نیز نظام‌های بیمه‌ی خصوصی بود. در اینجا، حق آنان (در معنای ضعیف کلمه، یعنی آزادی‌شان در بالفعل کردن خواست فرزندآوری) از جانب جامعه و حکومت محترم و محفوظ است.

این حقِ حداقلی البته در پاره‌ای مواقع، بنا بر مصلحت و منافع عمومی و تغییر سیاست‌های جمعیتی، قابل توصیه، تشویق و حمایت از سوی حکومت است (۱۶). برای نمونه، چنانکه پیشتر اشاره شد، آنگاه که قومی رو به زوال باشد یا هرم جمعیتی کشور دچار آسیب و از شرایط بهنجار خارج شده باشد، به گونه‌ای که کارشناسان جمعیتی و نهادهای مسؤول و مربوط در مورد ادامه‌ی روند فعلی آن اظهار نگرانی کنند، حکومت می‌تواند سیاست خود را در مورد تعداد مولید تغییر دهد. در این شرایط، می‌توان برای تسهیل باروری امکاناتی را در اختیار زوج‌هایی قرار داد که قصد تولیدمثل دارند. پرداخت یارانه به این زوج‌ها در چنین شرایطی، یکی از ابزارهای حمایتی معقول است. هم‌چنین، دولت می‌تواند از تأسیس مراکز درمان ناباروری حمایت یا به گونه‌ای به آن‌ها کمک کند تا این مراکز در دسترس بخش گسترده‌تری از نیازمندان باشند. بیمه‌های دولتی نیز می‌توانند بخشی از هزینه‌های درمان ناباروری را پرداخت کنند تا زوج‌های نابارور به لحاظ مالی توانایی بیشتری برای پیشبرد درمان خود داشته باشند (۱۷). مبنای نظری این حمایت‌ها و تشویق‌ها آن است که در شرایط متعارف، حق باروری نه حقی بی‌حد و حصر و قوی است که تکلیفی بر حکومت تحمیل کند و نه امری است که حکومت بتواند آن را زیر سلطه و سیطره‌ی خود گیرد. در نتیجه، همانند دیگر حق‌های انسان در عرصه‌ی اجتماع که به اقتضای مصلحت و منفعت عمومی مقید و متوازن می‌شوند

(۱۸)، باید میان خواست و حق بر باروری و سیاست‌های مبتنی بر مصلحت عمومی توازن منصفانه و پویا برقرار کرد. ممکن است لازمه‌ی مصلحت عمومی ایجاد محدودیت‌هایی برای کاستن از تعداد فرزندان خانواده باشد (۱۹). در این شرایط، با توجه به این‌که به‌نظر نمی‌رسد حق بر باروری مستلزم نامحدود انگاشتن این حق به گونه‌ای باشد که نتوان محدودیت‌هایی برای آن در نظر گرفت (۲۰)، مصلحت عمومی می‌تواند مقتضی این باشد که پاره‌ای حمایت‌ها یا خدمات دولتی برای خانواده‌های پرجمعیت لغو شود. لغو این حمایت‌ها نقض حق بر باروری نیست (۲۱)، تلاشی برای تعدیل و تنظیم این حق با مصلحت عمومی است. تشویق‌ها، حمایت‌ها در گسترش باروری و تولیدمثل یا وضع موانع برای محدود ساختن آن بخشی از برنامه‌های یک حکومت متعهد به حقوق فردی و مصالح عامه در راستای ایجاد توازن میان خواست افراد در زمینه‌ی فرزندآوری و رعایت منافع و مصالح عمومی است. این برنامه‌ها و سیاست‌ها هم‌چنان در این چارچوب صورت می‌گیرد که حق بر باروری حقی حداقلی، حق‌آزادی یا ساده‌تر آزادی باروری، است و تشویق‌ها و حمایت‌های مبتنی بر مصلحت عمومی جمعیتی هرگز آن را به حقی حداکثری، حق‌ادعا، بدل نمی‌کند.

نتیجه‌گیری

کاربرد تعبیر «حق» برای باروری نمی‌تواند بدون ایضاح و تعیین مقصود از آن باشد. چنانکه گفته شد، «حق» را می‌توان دست‌کم به دو معنای قوی و ضعیف برای باروری انسانی، اعم از طبیعی و غیرطبیعی، به کار برد. از این رو، ضروری است هنگام سخن گفتن از «حق بر باروری»، مقصود خود را از این عبارت تدقیق کنیم. به‌نظر می‌رسد دلیلی موجه بر دعوی حق به معنای قوی، حق‌ادعا، بر باروری در کار نیست و نمی‌توان باروری را در زمره‌ی حق‌های تکلیف‌آور برای حکومت برشمرد. هم‌چنین، حق‌ادعای باروری، النهایه، مصالح کسانی را نیز که بنا بر فرض واجد این حق‌اند تأمین نخواهد

منابع

- 1- Motlaq M. [Roshde Jam'iate Iran Dar Sale 1420 Seft Mishavad.] <http://www.khordadnews.ir/news/28931> (accessed in 2014) [in Persian]
- 2- Kazemipour S. [Iran Ba Kaheshe Jam'iat Movajeh Nist.] <http://isna.ir/fa/print/92090805408/> - ایران با-کاهش (accessed in 2014) [In Persian]
- 3- Shahcheraqian M. [Mohemtarin Elale Kaheshe Farzandavari Dar Jame'eye Irani.] <http://borhan.ir/NSite/FullStory/News/?Id=5495> (accessed in 2014) [In Persian]
- 4- Akhondi M. [Az Har 5 Zoje Irani Yeki Nabarvar Ast.] <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920704000553> (accessed in 2014) [In Persian]
- 5- Akhondi M. [Adame Alagheye Jam'iate Omoumie Keshvar Be Bachedar Shodan.] <http://khabaronline.ir/detail/314870/society/health> cited 2014 Jan 5 (accessed in 2014) [In Persian]
- 6- Boivin J, Pennings G. Parenthood should be regarded as a right. Arch Dis Child 2005; 90: 784-5.
- 7- Mosher W, Pratt W. Fecundity and infertility in the United States: incidence and trends. Fertil Steril 1991; 56: 192-3.
- 8- Ghaffari M. [Raveshhaye Pishrafteh Dar Darmane Nazaei. In: Avicenna Research Institute. Raveshhaye Novine Tolide Mesle Ensani Az Didgahe Feqh va Hoqouq.] Tehran: Avicenna Research Institute; 1382, p. 7-17. [In Persian]
- 9- Akhondi M, Sadeqi M. [Zarourate Bekargirie Techniquehaye Barvarie Komaki Dar Tolide Mesle Ensani.] In: Avicenna Research Institute. [Raveshhaye Novine Tolide Mesle Ensani Az Didgahe Feqh va Hoqouq.] Tehran: Avicenna Research Institute; 1382, p. 18-35. [In Persian]
- 10- Rasekh M, Khodaparast A. [Haqe Bar Shenakhte Pedar va Madare Biologic?] J Reprod Fertil 1386; 8: 247-258. [In Persian]
- 11- Wellman C. A Theory of Rights. NJ: Rowan & Allanheld; 1985, p. 7-15.
- 12- Movahhed M. [Dar Havaye Haq va Edalat.] Tehran: Karnameh; 1381, p. 54-57. [In Persian]
- 13- Waldron J. Rights. In: Goodin R, Petit P. A

کرد، زیرا ممکن است آنان در آینده در زمینه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی خود به‌جد نیازمند منابع محدودی باشند که صرف برآوردن تکلیف حکومت در خصوص حقدعا بر باروری شده است. حقدعا بر باروری، به همین دلیل، مطابق مصالح عموم افراد در جامعه نیز نیست. با این حال، انکار حقدعا بر باروری بدان معنا نیست که باروری به هیچ معنا در زمره حقوق آدمی جای ندارد. حق آزادی بر باروری و جست‌وجو برای خواست فرزند و درمان ناباروری از حقوقی است که نمی‌توان و نباید افراد را از آن محروم کرد. این حق حتی می‌تواند در شرایطی خاص، مثلاً در شرایط جمعیتی نامناسب، مورد حمایت و تشویق دولت نیز قرار بگیرد.

- 17- Akhondi M, Behjati Ardakani Z. [Esteqrare Nezame Ta'mine Ejtemaei Dar Khadamate Foqe Takhassosie Tashkhisi va Darmane Nabarvari.] In: Avicenna Research Institute. [Bimeh va Nabarvari.] Tehran: Avicenna Research Institute; 1387, p. 19-22. [In Persian]
- 18- Aleinikoff TA. Constitutional law in the age of balance. Yale Law J 1987; 96(5): 945.
- 19- Buchanan A, Brock D, Daniels N, Wikler D. From Chance to Choice: Genetics & Justice. Cambridge: Cambridge University Press; 2010, p. 208.
- 20- Statman D. The right to parenthood: an argument for a narrow interpretation. Ethical Perspect 2003; 10(3-4): 226-9.
- 21- Conly S. The right to procreation: merits and limits. Am Philos Q 2005; 42(2): 105-6.
- Companion to Contemporary Political Philosophy. Oxford: Blackwell; 1996, p. 575-585.
- 14- Smilansky S. Is there a moral obligation to have children? J Applied Philos 1995; 12(1): 41-53.
- 15- Maclean M. Parenthood should not be regarded as a right. Arch Dis Child 2005; 90: 782-3.
- 16- Bayles M. Limits to a right to procreate. In: O'Neill O, Ruddick W (eds). Having Children: Philosophical and Legal Reflections on Parenthood. Oxford: Oxford University Press; 1979, p. 13-22.

Is There A Right to Reproduction?

Mohammad Rasekh^{*1}, Amirhossein KHodaparast²

¹*Professor, Faculty of Law, Shahid Beheshti University and Reproductive Biotechnology Research Center, Avicenna Research Institute, Tehran, Iran;*

²*Department of Law and Bioethics, Reproductive Biotechnology Research Center, Avicenna Research Institute, Tehran, Iran.*

Abstract

Reproduction is one of the basic abilities of human beings. This is often realized in a natural way, though in certain cases new methods and technologies provide infertile couples with the opportunity to realize their wish to have children. In recent years, the term “right to reproduction” has emerged, and sometimes emphasis is placed on the obligation of governments to satisfy this right. However, it seems that the ambiguity of the aforementioned term may create serious problems in our understanding of the subject matter and, in consequence, affect the manner in which it is handled in the society. In this paper, in addition to discussing the concept of rights, it is argued that the right to reproduction may be embodied both by a claim right and a liberty right, even though the latter is only a justifiable and acceptable way of representing the right to reproduction. Therefore, this right entails the freedom to bear children and to pursue provision of the requirements, including utilizing ART. As in the case of other human rights, this should be in balance and proportion with public interests, in such a way that in particular circumstances, such as problematic population situations, it may be protected or prevented by the government.

Keywords: reproduction, right, liberty, public interests, government

*Email: m-rasekh@sbu.ac.ir